

دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی

سال ۹، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

نظریه روایت بیکر و ظرفیت‌های پژوهشی آن در مطالعات ترجمه

۱- کاوه بلوری* ۲- مزدک بلوری**

۱- دکترای مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲- استادیار مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲)

چکیده

مقاله حاضر به شرح نظریه روایت بیکر می‌پردازد و حوزه پژوهشی جدیدی را در مطالعات ترجمه به خواننده معرفی می‌کند. برای این منظور، مفهوم روایت در علوم اجتماعی - که مبنای نظری کار بیکر است - شرح داده می‌شود و مدل پیشنهادی او برای تحلیل ترجمه از منظر این نوع روایت‌شناسی معرفی می‌شود. در بخش دوم، برخی از پژوهش‌های انجام شده در چارچوب این نظریه توصیف می‌شود تا خواننده با ظرفیت‌های پژوهشی آن آشنا شود. هدف، فراهم آوردن نقشه راهی برای راهنمایی پژوهشگران حوزه مطالعات ترجمه است. پس از بررسی پژوهش‌های انجام شده، پیشنهادهایی مطرح می‌شود؛ از جمله: بررسی استعاره‌ها و مفاهیم موجود درباره ترجمه و مترجمان از منظر روایت، تحلیل نقش مترجمان در روایت‌سازی، بررسی روایت‌های ساخته شده از طریق ترجمه، مطالعه روایت‌های سازمان‌ها و نهادها با استفاده از ترجمه، پژوهش درباره شیوه‌های مختلف قاب‌بندی در کار مترجمان، خبرگزاری‌ها، ناشران، وبسایت‌ها و سازمان‌ها و چگونگی روایت‌سازی با استفاده از این قاب‌ها و ارزیابی انسجام روایت‌های گروه‌های فعال مترجمان و دیگر سازمان‌ها بر مبنای الگوی روایت‌شناختی. واژگان کلیدی: نظریه روایت، روایت، روایت‌شناسی جامعه‌شناختی، مدل تحلیلی بیکر، ظرفیت‌های پژوهشی.

* E-mail: kavehbolouri@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: mazdakbolouri@atu.ac.ir

مقدمه

مفهوم روایت در بسیاری از رشته‌های علمی مطرح بوده است و پژوهشگران هر رشته تعریفی متفاوت برای آن ارائه داده‌اند (بیکر^۱، ۲۰۰۶ الف: ۸). در مطالعات ترجمه، متخصصان در طول سال‌ها بر مفهوم روایت به مثابه «مقوله ادبی» متمرکز بوده‌اند (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۵۸). گفتار حاضر ابتدا رویکردی متفاوت به روایت را در مطالعات ترجمه معرفی می‌کند که از محدوده ادبیات و داستان فراتر رفته و «اساساً از روان‌شناسی، نظریه اجتماعی و نظریه ارتباط پدید آمده است» و از آن با عنوان «رویکرد جامعه‌شناختی روایت» یاد می‌شود (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۸ و هاردینگ^۲، ۲۰۱۲: ۲۸۶)؛ از منظر جامعه‌شناسی، روایت‌ها داستان‌هایی هستند که جهان ما را می‌سازند (هاردینگ، ۲۰۱۲: ۲۸۷)؛ آن‌ها رویدادها را به شکلی معنادار کنار هم قرار می‌دهند و بینشی از جهان در اختیارمان می‌گذارند (هینچمن^۳ و هینچمن، ۱۹۹۷، نقل از اله‌رثانی^۴، ۲۰۰۹: ۳۸). سپس توضیح می‌دهد که بیکر چگونه با استفاده از این رویکرد، مدلی برای تحلیل ترجمه از منظر روایت ساخته است؛ بر اساس روایت‌شناسی جامعه‌شناختی، ترجمه نوعی (باز) روایت است که رویدادها را در زبانی دیگر از نو روایت می‌کند (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۵۹). در نتیجه، بیکر این رویکرد را به مطالعات ترجمه می‌آورد تا نقش ترجمه را در روایت‌سازی بررسی کند (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۴). در آخر نیز با شرح بعضی از پژوهش‌های بیکر در این چارچوب، ظرفیت‌های پژوهشی در مطالعات ترجمه را از منظر روایت‌شناسی معرفی می‌کند. در این پژوهش، کوشش می‌شود که به پرسش زیر پاسخ داده شود:

– نظریه روایت بیکر چه ظرفیت‌هایی برای پژوهش در حوزه مطالعات ترجمه دارد و چگونه می‌توان با استفاده از آن، پژوهش‌هایی در این حوزه انجام داد؟

پاسخ این پرسش می‌تواند مانند نقشه راهی برای راهنمایی پژوهشگران و دانشجویان رشته مطالعات ترجمه مورد استفاده قرار گیرد.

1. Baker
2. Harding
- 3 Hinchman
4. Al-Herthani

۱. روایت در علوم اجتماعی (روایت‌شناسی جامعه‌شناختی)

در علوم اجتماعی «روایت» به هر «قسمتی از داستان زندگی» گفته می‌شود که «آغاز، وسط و پایانی» داشته باشد (فیشر^۱، ۱۹۸۷، نقل از بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۰-۹) یا به قول لاندائو^۲ (۱۹۹۷) «روایت به مجموعه رویدادهایی گفته می‌شود که بتوان آن‌ها را زنجیره‌وار کنار هم چید و نقل کرد» (نقل از بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۰-۹). ما از طریق این رویدادها «جهان را تجربه می‌کنیم» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۹) و در جهان عمل می‌کنیم (الهرطانی^۳، ۲۰۰۹: ۳۷). باید بدانیم که این رویدادها خالی از غرض‌ورزی نیستند، بلکه در واقع داستان‌هایی ساخته شده‌اند (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۴، ۱۰). به بیان دیگر، «ما همه با توانایی ساختن روایت‌ها پا به دنیا می‌گذاریم و روایت‌هایی که می‌سازیم جهان ما را می‌سازند» (الهرطانی، ۲۰۰۹: ۳۹). بنابراین، هیچ نوع «دنیای واقعی» که پیش از فعالیت ذهنی انسان و مستقل از آن وجود داشته باشد در کار نیست (برونر^۴، ۱۹۸۶ و نقل از هاردینگک، ۲۰۰۹: ۳۳). به طور کلی، از منظر جامعه‌شناسی، روایت‌ها «صرفاً جهان را به تصویر نمی‌کشند، بلکه آن را می‌سازند» (هاردینگک، ۲۰۱۲: ۲۸۷)؛ آن‌ها رویدادها را زنجیره‌وار و به شکلی معنادار برای مخاطبی مشخص کنار هم می‌چینند و از جهان و تجربهٔ مردم از آن بینشی به دست می‌دهند (هینچمن^۵ و هینچمن، ۱۹۹۷ و نقل از الهرطانی، ۲۰۰۹: ۳۸).

۲. روایت جامعه‌شناختی در مطالعات ترجمه

از منظر روایت‌شناسی جامعه‌شناختی «ترجمه نوعی (باز) روایت محسوب می‌شود که رویدادها و شخصیت‌ها را در زبانی دیگر از نوروایت می‌کند و در واقع می‌سازد» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۵۹). در نتیجه، بیکر رویکرد سومرز^۶ و گیسون^۷ را از علوم اجتماعی به مطالعات

1. Fisher
2. Landau
3. Al-Herthani
4. Bruner
5. Hinchman
6. Somers
7. Gibson

ترجمه می‌آورد تا نقش ترجمه را در فرآیند روایت‌سازی بررسی کند (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۴۸). حاصل کار او مدلی تحلیلی برای بررسی نقش ترجمه در ساخت روایت‌ها است (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۳-۴). با استفاده از این مدل می‌توان «رفتار مترجمان و مترجمان شفاهی را در جایگاه عاملانی اجتماعی بررسی کرد» (الهرطانی، ۲۰۰۹: ۳۹). مدل او بر متن و مجموعه روایت‌هایی که متن در آن جای گرفته متمرکز می‌شود و با تحلیل روایت‌هایی که در متن یا گفتار آمده است، نقش متن را در ساختن روایت‌های بزرگ‌تر در جامعه بررسی می‌کند (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۴). او به بررسی «نقش روایت‌ها، ترجمه و ترجمه شفاهی در تعارض‌های سیاسی خشونت‌آمیز می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه قدرت‌های مختلف از روایت‌ها و روایت‌های ترجمه‌شده بهره می‌گیرند «تا به روایت خودشان از رویدادها مشروعیت ببخشند» (هاردینگ، ۲۰۱۲: ۲۸۸).

پژوهش در مطالعات ترجمه از منظر روایت‌شناسی به تعارض‌های سیاسی محدود نمی‌شود. از زمان انتشار کتاب ترجمه و تعارض^۱ (بیکر، ۲۰۰۶ الف) که موضوع روایت‌شناسی جامعه‌شناختی در مطالعات ترجمه مطرح شد، پژوهشگران دیگری نیز با استفاده از این رویکرد تحقیقات بیشتری انجام داده‌اند و رویکرد روایی بیکر را در حوزه‌های متعددی به کار گرفته‌اند (هاردینگ، ۲۰۱۲: ۲۸۶). برای مثال، ایوب^۲ (۲۰۱۰) به بررسی «مجموعه‌ای از داستان‌هایی که برای بچه‌ها بازنویسی، اقتباس و ترجمه شده است» می‌پردازد و با استفاده از ابزار تحلیلی بیکر بر محل‌های پیرامون متن از جمله «مقدمه، عنوان، شرح پشت جلد [و] پانویس» متمرکز می‌شود تا مشخص کند این ابزار پیرامونی چگونه این داستان‌ها را بازروایت کرده‌اند (هاردینگ، ۲۰۱۲: ۲۸۸). الهرطانی (۲۰۰۹) با تمرکز بر ترجمه‌های عربی آثار ادوارد سعید^۳ به بررسی این موضوع می‌پردازد که نهادها و واسطه‌های مختلف چه روایتی از ادوارد سعید در دنیای عرب ساخته‌اند (الهرطانی، ۲۰۰۹: ۶).

1. Translation and Conflict
2. Ayoub
3. Edward Said

الشریف (۲۰۰۹) پروژه‌های ترجمه در سازمان ممری^۱ (موسسه تحقیقات رسانه‌های خاورمیانه) را بررسی می‌کند (هاردینگ، ۲۰۱۲: ۲۸۸). او بر این موضوع متمرکز می‌شود که سازمان ممری چگونه با استفاده از ترجمه، روایت‌هایی منفی از فلسطینی‌ها و به‌خصوص زنان فلسطینی می‌سازد (الشریف، ۲۰۰۹: ۷). سامرز (۲۰۱۳) با استفاده از روایت‌شناسی جامعه‌شناختی، ترجمه آثار کریستا ولف^۲ (نویسنده آلمان شرقی) را تحلیل می‌کند و بر این موضوع متمرکز می‌شود که تا چه اندازه روشنفکران موافق و مخالف رژیم سوسیالیستی جمهوری دموکراتیک آلمان^۳ از ولف و آثارش در روایت‌های اجتماعی‌شان بهره برده‌اند (هاردینگ، ۲۰۱۲: ۲۸۹). هلن^۴ (۲۰۰۶) تصویر جهان اسلام را در ترجمه‌های فنلاندی نشنال جئوگرافی بررسی می‌کند (هاردینگ، ۲۰۱۲: ۲۸۹) و مک‌دانو^۵ (۲۰۱۰) در پژوهش خود با تمرکز بر پیکره‌ای متشکل از ۲۵ وب‌سایت جهانی که برای کاربران کانادایی بومی‌سازی شده‌اند به بررسی روایت وب‌سایت‌های مذکور درباره کانادایی‌های پردازد (مک‌دانو: ۲۰۱۰: ۳۰۳).

۳. مدل تحلیل روایت بیکر

بیکر در مدل روایت‌شناسی خود از دو نوع ابزار تحلیلی بهره می‌جوید: رده‌شناسی روایت^۶ و ویژگی‌های روایت^۷ (بیکر، ۲۰۰۶: الف: ۵۰-۲۸). درخصوص رده‌شناسی روایت، بیکر به پیروی از سومرز و گیسون چهار نوع روایت را معرفی می‌کند: روایت هستی‌شناختی^۸، روایت عمومی^۹، روایت مفهومی^{۱۰} و فراروایت^{۱۱} (بیکر، ۲۰۰۶: الف: ۲۸) و درخصوص

1. MEMRI (The Middle East Media Research Institute)

2. Christa Wolf

3. German Democratic Republic (GDR)

4. Helin

5. McDonough

6. Narrative typology

7. Narrative features

8. Ontological Narrative

9. Public Narrative

10. Conceptual Narrative

11. Meta-narrative

ویژگی‌های روایت یا همان «مقوله‌هایی که توضیح می‌دهند روایت‌ها چطور ساخته می‌شوند و نقش‌شان چیست» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۶۶)، ابتدا چهار ویژگی را - که عبارت‌اند از تصرف گزینشی^۱، ارتباط‌مندی^۲، زمان/ مکان‌مندی^۳ و پیرنگ‌سازی علی^۴ - از آثار سومرز و گیسون می‌گیرد و چهار ویژگی دیگر را - غرابت^۵، ژانرپذیری^۶، هنجارپذیری^۷ و انباشت روایی^۸ (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۶۶) - از برونر به آن اضافه می‌کند و در کل هشت ویژگی برای روایت معرفی می‌کند.

علاوه بر رده‌شناسی و ویژگی‌های روایت که ابزار اصلی کار او را تشکیل می‌دهند، دو عنصر دیگر نیز در مدلش معرفی می‌کند: ۱- مفهوم قاب‌بندی^۹؛ یعنی نوعی ابزار تحلیلی که نشان می‌دهد چگونه راوی‌های مختلف می‌توانند روایتی را در قاب متفاوتی قرار بدهند (بیکر، ۲۰۰۸: ۲۳-۲۲). ۲- مفهوم الگوی روایت‌شناختی^{۱۰} که از والتر فیشر^{۱۱} گرفته شده و به یکی از فرض‌های نظری رویکرد جامعه‌شناختی به روایت؛ یعنی «توانایی ما در موضع‌گیری نسبت به روایت‌ها» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۴۱) می‌پردازد و نشان می‌دهد «چگونه می‌توانیم روایت‌ها را ارزیابی کنیم تا ببینیم آیا باید باورشان کنیم یا اینکه باید از کسانی که باورشان دارند فاصله بگیریم یا حتی آن‌ها را فعالانه به چالش بکشیم» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۴۱).

۳-۱. رده‌شناسی روایت

چنان که در بالا گفته شد، در مدل بیکر (۲۰۰۶ الف) چهار نوع روایت معرفی می‌شود:

1. Selective appropriation
2. Relationality
3. Temporality
4. Causal emplotment
5. Particularity
6. Genericness
7. Normativeness
8. Narrative Accrual
9. Framing
10. Narrative Paradigm
11. Walter Fisher

۳-۱-۱. روایت‌های هستی‌شناختی (یا روایت‌های فردی)

روایت‌های هستی‌شناختی «داستان‌هایی شخصی‌اند که ما برای خود [و دیگران] درباره‌ی جایگاه‌مان در جهان و سرگذشت شخصی‌مان می‌گوییم. این داستان‌ها زندگی ما را می‌سازند و به آن معنا می‌دهند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۲۸ و بیکر، ۲۰۱۶: ۱۶۱)؛ به بیان دیگر، «روایت‌های فردی مشخص می‌کنند ما کی هستیم و رفتارمان را در جامعه هدایت می‌کنند» (الهرطانی، ۲۰۰۹: ۴۰). بیکر می‌گوید «روایت‌های فردی روایت‌هایی هستند که ما مثلاً با خانواده و همکاران‌مان، آنگاه که از ما می‌پرسند چه کار کرده‌ایم یا در موقعیتی خاص چه احساسی داشته‌ایم، در میان می‌گذاریم. این‌ها روایت‌هایی هستند که ما درباره‌ی هویت خود و چگونگی ارتباط‌مان با جهان نقل می‌کنیم». او همچنین روایت‌های شخصیت‌های مشهور همچون نلسون ماندلا^۱ و ادوارد سعید^۲ و به طور کلی زندگینامه‌ها و خودزندگینامه‌ها را از جمله روایت‌های فردی برمی‌شمرد (بیکر، ۲۰۱۰: ۳۵۰).

این داستان‌ها «در نهایت بر فرد و جهان او متمرکزند، ماهیتی غیرفردی و اجتماعی دارند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۲۸) و «شخص برای اینکه بتواند داستانش را بگوید ناگزیر به حضور در جهانی اجتماعی است» (وایت بروک، ۲۰۰۱، نقل از بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۲۸). این یعنی «حتی شخصی‌ترین روایت‌ها به روایت‌های جمعی [عمومی] متکی‌اند و بدون آن‌ها غیرقابل فهم و غیرقابل تفسیرند» (اویک و سیلی، ۱۹۹۵، نقل از بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۲۸).

۳-۱-۲. روایت‌های عمومی

روایت‌های عمومی «داستان‌هایی‌اند که نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی برای مردم نقل می‌کنند تا باورهایی خاص در آن‌ها به وجود آورند و آن‌ها را به درکی خاص از خودشان و دیگران برسانند» (الهرطانی، ۲۰۰۹: ۴۳)؛ مانند داستان‌هایی که درباره‌ی حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ (الشریف، ۲۰۰۹: ۳۴) یا حمله‌ی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۳۳) ساخته شد. ممکن است رسانه‌ها به نحوی

1. Nelson Mandela
2. Edward Said

رویدادهای مربوط به جنگ نیروهای ائتلاف و عراق را پوشش دهند که به ساختن روایتی مشخص و ایجاد باوری خاص در مخاطبان‌شان کمک کند؛ چنین روایتی می‌تواند این تصور را در مخاطب ایجاد کند که آمریکا در حمله به عراق مقصر نیست و فقط کشوری است که قربانی تروریسم شده است و در پاسخ به حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر از خود دفاع می‌کند.

همان‌طور که در بالا اشاره شد، بین این نوع از روایت‌ها و روایت‌های فردی وابستگی متقابل وجود دارد؛ یعنی «روایت‌های فردی به اشکال مختلف تحت تأثیر روایت‌های عمومی [جمعی] قرار دارند و در عین حال بر روایت‌های عمومی تأثیر می‌گذارند» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۶۲). روایت‌های فردی می‌توانند روایت‌های عمومی را تقویت یا تضعیف کنند (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۶۲). وقتی روایت‌های عمومی شامل جنبه‌هایی باشد که افراد نتوانند با داستان هویت خود (یعنی روایت‌های فردی‌شان) تطبیق دهند، روایت‌های عمومی تضعیف می‌شوند (وایت‌بروک، ۲۰۰۱، نقل از بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۳۳). از همین رو، «عاملان قدرتمندی چون دولت‌ها، گروه‌های فشار سیاسی و نهادهای مذهبی، اقداماتی انجام می‌دهند و سیاست‌هایی اعمال می‌کنند تا افراد را طبق روایت‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی روز بار آورند» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۶۲).

۳-۱-۳. روایت‌های مفهومی

روایت‌های مفهومی «داستان‌ها و توضیحاتی‌اند که متخصصان رشته‌های مختلف برای خود و دیگران درباره موضوع پژوهش‌شان نقل می‌کنند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۳۹)، مانند «نظریه انتخاب طبیعی^۱ داروین، تاریخ هند بریتانیایی^۲ اثر جیمز میل، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی^۳ اثر ساموئل هانتینگتون» (بیکر ۲۰۰۶ الف: ۴۴-۳۹). مثلاً نظریه تکامل داروین روایتی از پیدایش انسان‌ها مطرح می‌کند که با روایت آفرینش انسان متفاوت است.

1. Natural Selection

2. The History of British India

3. The clash of Civilizations and the Remaking of World Order

۳-۱-۴. فراروایت

سومرز و گیسون به پیروی از لیوتارد^۱، جیمسون^۲ و فوکو^۳ (الهرطانی، ۲۰۰۹: ۴۹) فراروایت‌ها را روایت‌های کلانی همچون «ترقی»، «انحطاط»، «صنعتی‌سازی» و «روشنگری» می‌دانند (بیکر، ۲۰۰۶الف: ۴۴) «که ما [...] در آن‌ها جای گرفته‌ایم» (سومرز و گیسون، ۱۹۹۴، نقل از الهرطانی، ۲۰۰۹: ۴۹). مردم «هر جای دنیا که باشند تحت تأثیر این روایت‌های کلان قرار دارند، چه این روایت‌ها را قبول داشته باشند چه با آن‌ها مخالف باشند» (الهرطانی، ۲۰۰۹: ۴۹). بنابراین، فراروایت‌ها «مفاهیمی جهانی هستند که انعکاسی جهانی دارند» (الهرطانی، ۲۰۰۹: ۴۹).

بیکر (۲۰۱۰: ۳۵۱) می‌گوید فراروایت‌ها در واقع «روایت‌های عمومی پر قدرتی هستند که برای مدتی طولانی باقی می‌مانند و در محل‌های متعدد بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارند»؛ مثلاً روایت عمومی «جنگ علیه تروریسم» آشکارا این پتانسیل را دارد که به فراروایت تبدیل شود؛ یعنی چنین داستانی می‌تواند «در جایگاه روایتی کلان قرار بگیرد و از مرزهای جغرافیایی و ملی فراتر رود و مستقیماً بر زندگی تک‌تک ما در هر جا که باشیم تأثیر بگذارد» (بیکر، ۲۰۰۶الف: ۴۵). از این رو، هرگاه روایت‌های عمومی بر زندگی مردم در سرتاسر جهان تأثیر بگذارند، می‌توان آن‌ها را روایت‌هایی پر قدرت و گریزناپذیر و در نتیجه فراروایت تلقی کرد» (بیکر، ۲۰۱۰: ۵۱).

در هر یک از انواع روایت، ترجمه می‌تواند یا روایت متن مبدأ را بازگو کند یا آن را به چالش بکشد و تغییر دهد. از این رو، مترجمان نقش مهمی در ساختن روایت‌ها از طریق ترجمه و در نتیجه شکل دادن به جهان اجتماعی ما ایفا می‌کنند.

۳-۲. ویژگی‌های روایت

در مدل بیکر ۸ ویژگی برای روایت معرفی می‌شود، اما این ویژگی‌ها با هم «همپوشی دارند و کاملاً به یکدیگر وابسته‌اند» (بیکر، ۲۰۰۶الف: ۵). در ادامه این ۸ ویژگی به ترتیب

1. Lyotard
2. Jameson
3. Foucault

توضیح داده می‌شود، اما رابطه آن‌ها با ترجمه، ذیل مفهوم قاب‌بندی (مبحث ۴-۳) و توصیف پژوهش‌های بیکر می‌آید. در این جا فقط به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که مترجمان می‌توانند با تغییر صورت‌بندی ویژگی‌های روایت «بر دیدگاه روایی خواننده یا شنونده تأثیر بگذارند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۱۱) و روایت‌های متن اصلی را آن‌طور که می‌خواهند دست‌کاری کنند.

۳-۲-۱. تصرف‌گزینشی

تصرف‌گزینشی به این معنا است که در ساختن روایت‌ها «برخی از عناصر تجربه کنار گذاشته و باقی عناصر در نظر گرفته شوند» (بیکر، ۲۰۱۰: ۳۵۲). واضح است که «هیچ روایت منسجمی نمی‌تواند همه جزئیاتی را که راوی تجربه می‌کند یا در اختیار دارد در خود داشته باشد» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۶۷)؛ از این رو، برخی جنبه‌ها را در خود می‌گنجاند و پررنگ می‌کند در حالی که جنبه‌های دیگر را حذف می‌کند یا به حاشیه می‌راند. چنان که بیکر می‌گوید «این فرآیند تصرف‌گزینشی جزء ذاتی داستان‌سرایی است و معیارهای ارزشیابی در آن متأثر از موقعیت روایی فرد، گروه یا نهاد سازنده آن روایت است» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۶۷). به بیان دیگر، «هر بازیگر اجتماعی، باورها، اصول و ارزش‌هایی دارد که براساس آن‌ها [...] رفتارهای او هدایت می‌شود و به انتخاب‌هایش از میان مجموعه نامحدودی از رویدادها [...] جهت می‌دهد» (سومرز و گیسون، ۱۹۹۴، نقل از الشریف^۱، ۲۰۰۹: ۵۹). در نتیجه به برخی از عناصر رویدادها اولویت می‌دهد و آن‌ها را در روایت خود می‌گنجاند و عناصر دیگر را که با ارزش‌هایش همخوانی ندارند از روایت کنار می‌گذارد و این کار او نقش مهمی در فرآیند ساختن روایت‌ها ایفا می‌کند.

۳-۲-۲. ارتباط‌مندی

ارتباط‌مندی؛ یعنی «ذهن بشر نمی‌تواند رویدادهای جداگانه یا مجموعه رویدادهایی را که به صورت روایت درنیامده‌اند درک کند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۶۱). به بیان دیگر، «رویدادها

(و عناصر آن‌ها) به خودی خود معنادار نیستند بلکه فقط زمانی معنادار می‌شوند که بخشی از روایتی کلی باشند» (بیکر، ۲۰۱۰: ۳۵۳). به عنوان مثال، مفهوم «شهادت» بسته به این که بخشی از روایت «جهاد اسلامی» در دنیای معاصر باشد یا بخشی از روایت آزار و شکنجهٔ مسیحیان در قرن اول بعد از میلاد، معنا و ارزشی متفاوت پیدا می‌کند» (بیکر، ۲۰۱۰: ۳۵۳) یا در غرب هر گاه واژهٔ شهادت دربارهٔ جهان عرب به کار رود، بار معنایی منفی و مرتبط با ستیزه‌جویی پیدا می‌کند (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۶۵). از این رو، عناصر مجزا معنای خود را از روایت‌های کلی می‌گیرند و این عناصر در واقع اجزای اصلی این روایت‌ها محسوب می‌شوند» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۶۷).

۳-۲-۳. زمان / مکان‌مندی

ویژگی زمان / مکان‌مندی به این معنا است که روایت‌ها «از لحاظ زمانی و مکانی صورت-بندی می‌شوند» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۶۷). این یعنی «عناصر هر روایت همیشه با ترتیبی مشخص کنار هم قرار می‌گیرند و این ترتیب معنادار است» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۵۱-۵۰). به عبارت دیگر، «مجموعه رویدادها، روابط و شخصیت‌های اصلی‌ای که روایت‌ها را می‌سازند [...] باید در صورت‌بندی زمانی و مکانی خاصی قرار بگیرند تا قابل درک باشند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۵۱) در واقع، «ترتیب قرار گرفتن عناصر هر روایت، خواه عناصر زمانی خواه عناصر مکانی، پیوندها و ارتباط‌هایی به وجود می‌آورد که رویدادهای مجزا را به روایتی منسجم تبدیل می‌کند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۵۲).

بیکر به عنوان مثال در توضیح مفهوم صورت‌بندی مکانی به تصویری از چهار در اشاره می‌کند (تصویر (۱)) که روی آن‌ها به ترتیب از چپ به راست واژه‌های «آزادی»، «عدالت»، «امید» و «تروریسم» نوشته شده است. سه در اول قفل هستند و در تروریسم باز است. این تصویر بیان‌گر دو داستان متفاوت است و بستگی به این دارد که از کدام جهت به آن نگاه کنیم. به اعتقاد بیکر، «اگر از سمت چپ نگاه کنیم، می‌توانیم چنین روایتی بسازیم: وقتی آزادی، عدالت و امید دائماً در جهان نقض شوند و درهای رسیدن به این حقوق اولیهٔ انسانی مسدود باشد، برای قربانیان بی‌عدالتی جز توسل به تروریسم راه دیگری

باز نمی‌ماند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۵۳). طبق این روایت، «تروریسم نتیجه اجتناب‌ناپذیر نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر» است (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۵۳). اما اگر از سمت راست بخوانیم، روایت متفاوتی می‌سازیم؛ «تروریسم تهدیدی است برای آزادی، عدالت و امید» و «اگر دولت‌ها فکری به حال تروریسم نکنند، درهای رسیدن به آزادی، عدالت و امید همچنان بسته باقی می‌ماند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۵۴).

تصویر (۱): تصویر نمونه برای مفهوم صورت‌بندی مکانی



منبع: بیکر، ۲۰۰۶ الف

۳-۲-۴. پیرنگ‌سازی علی

طبق نظر بیکر (۲۰۱۴: ۱۶۹) در هر روایت راوی رویدادها را صرفاً به صورت تصادفی و «بی‌طرفانه» فهرست نمی‌کند، بلکه با توسل به عمل پیرنگ‌سازی عناصر، روایت را بررسی و روابط بین‌شان را مشخص می‌کند، مثلاً تعیین می‌کند که علت چیست و معلول کدام است، یا این که چه کسی یا چه چیزی مسئول فلان اتفاق است. به زبان ساده، «پیرنگ‌سازی علی؛ یعنی این که دو نفر چه بسا در مورد مجموعه‌ای از حقایق یا رویدادها با هم اتفاق نظر داشته باشند، اما در مورد چگونگی تفسیر این حقایق در رابطه با یکدیگر کاملاً مخالف باشند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۶۷). برای مثال، بیکر (۲۰۰۶ الف: ۶۷) به روایت‌های ضد و نقیض در مورد جنگ خاورمیانه اشاره می‌کند و می‌نویسد: «یک روایت از جنگ خاورمیانه، آدم‌کشی‌های اسرائیل را پاسخی به

حمله‌های تروریستی فلسطینی‌ها می‌داند، اما روایتی دیگر عملیات انتحاری فلسطینی‌ها را نتیجهٔ اجتناب‌ناپذیر تروریسم دولت اسرائیل می‌داند که راه چاره‌ای باقی نمی‌گذارد». بر این اساس، «حامیان این دو روایت رقیب شاید قبول داشته باشند که رویدادهای مجزایی رخ داده است و حتی ممکن است بر سر جزئیات این رویدادها (این که چه کسی چه کاری را در چه مکان و چه زمانی انجام داده) توافق داشته باشند، اما در مورد ارتباط رویدادها با یکدیگر و انگیزهٔ بازیگران در هر مجموعه رویداد کاملاً با هم مخالف باشند». به طور کلی، هر روایتی طرح مشخصی از پیرنگ‌سازی علی دارد و همین طرح است که به عناصر مجزا و رویدادهای آن اهمیت می‌بخشد» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۶۹-۱۶۸).

۳-۲-۵. غرابت

هر روایت به رویداد یا شخص خاصی اشاره می‌کند، اما تنها در صورتی قابل درک است که در «گونهٔ داستانی» آشنایی قرار بگیرد و تنها در این صورت است که می‌تواند معنایی فراتر از مفهوم ظاهری‌اش داشته باشد (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰). در واقع، این گونهٔ داستانی به هر رویداد معنا می‌بخشد (بیکر ۲۰۰۶ الف: ۷۸) و به تفسیر ما از رویدادها و گفتمان‌ها شکل می‌دهد (۲۰۰۶ الف: ۸۱). برای مثال، وقتی در سال ۱۹۹۳ قاضی دیوان عالی آمریکا، شرکت‌های آمریکایی را به هیولای فرانکشتاین تشبیه می‌کند، قصد دارد با اشاره به گونهٔ داستانی «هیولای خارج از کنترل» به مخاطبانش بفهماند که «دولت‌ها، همان طور که فرانکشتاین هیولای خود را ساخت، شرکت‌هایشان را می‌سازند و این شرکت‌ها وقتی ساخته می‌شوند، مثل هیولای فرانکشتاین به خالقان خود قدرت می‌دهند [چنین است در متن، جملهٔ صحیح به این صورت است: بر خالقان خود چیره می‌شوند]» (باکان^۱، ۲۰۰۴، نقل از بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۸۱). بنابراین، «روایت‌ها به رویدادها و اشخاص مشخصی اشاره می‌کنند، اما این کار را در چارچوب کلی‌تر گونهٔ

داستانی انجام می‌دهند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۷۸) و این گونه‌های داستانی شامل «انواع شخصیت‌ها و سناریوها هستند و تأثیر بسیاری بر ذهن ما دارند» (بیکر، ۲۰۱۴: ۷۰).

۳-۲-۶. ژانرپذیری

ویژگی ژانرپذیری روایت به این معنا است که «اگر بخواهیم روایتی قابل فهم و موثر بسازیم، باید آن را در چارچوب‌های تثبیت‌شده روایی از جمله شعر، عریضه، داستان پلیسی، سرمقاله و چیزهایی از این دست قرار بدهیم» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰)؛ این چارچوب‌ها «مدل‌هایی» در اختیار نویسنده و خواننده قرار می‌دهند که شیوه تفسیر رویدادهای انسانی را مشخص می‌کنند (برونر، ۱۹۹۱، نقل از بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۸۵)، به عبارت دیگر، این چارچوب‌ها معانی متعددی را تداعی می‌کنند (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰) و در نتیجه ما را تشویق می‌کنند ویژگی‌های مشخصی را به هر تجربه روایی نسبت دهیم (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۸۶). برای مثال، «عریضه» ژانری است که در آن شخص خواهان، ضعیف تلقی می‌شود و شخص خواننده، حریفی قدرتمند، اما احتمالاً بی‌انصاف (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰). «شعر» نیز ژانری است برای بیان مضمونی غیرواقعی و در نتیجه انتظار می‌رود شعر بیان‌گر چیزی غیرواقعی باشد نه چیزی حقیقی (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۸۶).

۳-۲-۷. هنجارپذیری

به اعتقاد برونر (۱۹۹۱، نقل از بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰) روایتی ارزش نقل شدن دارد که بتواند انتظارات رایج و متعارف را زیرسوال ببرد و نقض کند. این حرف «به این معنا است که روایت‌ها همگی باید به نوعی از «هنجارها» فاصله بگیرند، اما چنانچه بخواهیم روایتی قابل فهم بسازیم، «این انحراف و فاصله باید در چارچوب پیرنگ‌های هنجاربنیاد صورت بگیرد» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰). بنابراین، هنجارپذیری؛ یعنی نقض انتظارات رایج در چارچوب پیرنگ‌های هنجاربنیاد به منظور از بین بردن مشروعیت آن انتظارات (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۹۸) و این پتانسیلی است که همه روایت‌ها از آن برخوردارند (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۹۸)، پس جزء ویژگی تمام روایت‌ها است (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰).

بیکر در توضیح مفهوم هنجارپذیری به فیلم مستند جنین جنین^۱ اشاره می‌کند که در سال ۲۰۰۲ پس از حملهٔ اسرائیل به اردوگاه جنین واقع در کرانهٔ باختری عرضه شد. این فیلم به زبان عربی است، اما به زبان‌های مختلفی از جمله انگلیسی زیرنویسی شده است. بیکر بر نسخهٔ انگلیسی این مستند که ظاهراً بیشتر برای مخاطب آمریکایی تهیه شده است، متمرکز می‌شود و به تحلیل ترجمهٔ انگلیسی یکی از جمله‌های عربی آن می‌پردازد (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۶۵-۱۶۳). پیرمردی فلسطینی که از این حمله و بی‌تفاوتی جهان نسبت به آن شوکه شده است، می‌گوید «چه بگویم، به خدا، به خدا، به خدا خانه‌مان دیگر خانه نیست» (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۶۴). این جمله در زیرنویس انگلیسی به این صورت ترجمه شده است: «چه بگویم، حتی ویتنام هم به این بدی نبود» (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۶۴). به اعتقاد بیکر، این ترجمه در آن واحد دو کار انجام می‌دهد؛ از یک طرف خوانندهٔ انگلیسی با دیدن کلمهٔ ویتنام متوجه می‌شود که حادثهٔ جنین برخلاف آنچه رسانه‌های انگلیسی‌زبان می‌گویند صرفاً یک درگیری مختصر نبوده و در واقع همچون جنگ ویتنام خشونت جنگی محسوب می‌شود (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۶۵-۱۶۴) و از طرف دیگر، خوانندهٔ آمریکایی که تا به حال آمریکا را در جنگ اسرائیل و فلسطین بی‌طرف می‌دانسته حالا نگاه متفاوتی به نقش این کشور در این منازعه پیدا می‌کند (مثل نقشی که آمریکا در جنگ ویتنام ایفا کرده است). پس این ترجمه، روایت بی‌طرفی آمریکا را زیرسوال می‌برد و در عین حال این کار را در چارچوب پیرنگی هنجاربنیاد انجام می‌دهد (جنگ ویتنام برخلاف جنگ بین اسرائیل و فلسطین برای خوانندهٔ آمریکایی ملموس است) (بیکر، ۲۰۰۶: ۱۰۰-۹۹).

۳-۲-۸. انباشت روایی

منظور از ویژگی انباشت روایی این است که ما چگونه «داستان‌ها را سرهم‌بندی می‌کنیم تا از آن‌ها چیزی کلی بسازیم» (برونر، ۱۹۹۱، نقل از بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰). به بیان دیگر، انباشت روایی «فرآیندی است که طی آن داستان‌های مختلف به هم وصل می‌شوند تا در طول

زمان روایت‌های بزرگ‌تر و بزرگ‌تری ساخته شود» (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰). فرآیند سرهم-بندی کردن داستان این امکان را فراهم می‌آورد که داستان‌های متعدد در جاهای مختلف جهان بسته به موقعیت رواییِ راوی به ساخت روایتی مشخص کمک کنند (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰). برای مثال، داستان‌هایی که دربارهٔ اعمال خشونت‌آمیز در قسمت‌های مختلف جهان ساخته می‌شود بسته به موقعیتِ راوی ممکن است یا به روایت تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی منجر شود یا به روایت مقاومت در برابر تهاجم غرب (بیکر، ۲۰۱۴: ۱۷۰). بیکر علاوه بر رده‌شناسی و ویژگی‌های روایت دو عنصر دیگر، یعنی قاب‌بندی و الگوی روایت‌شناختی را نیز در مدل تحلیلی خود معرفی می‌کند. در ادامه به شرح این دو عنصر پرداخته می‌شود.

۳-۳. قاب‌بندی

به اعتقاد بیکر (۲۰۰۶الف: ۱۰۵)، «مترجمان و مترجمان شفاهی در هر ترجمه با یک انتخاب اخلاقیِ اساسی روبه‌رو می‌شوند: آیا باید ایدئولوژی‌های موجود در روایت متن یا گفتار را بازآفرینی کنند یا از آن‌ها دوری بجویند»؛ به عبارت دیگر، مترجمان یا می‌توانند «از جایگاه روایی نویسنده یا سخنگو فاصله بگیرند» یا «با آن احساس همدلی کنند». بنابراین، مترجم فقط نقش دریافت‌کنندهٔ منفعل کار ترجمه را ایفا نمی‌کند، بلکه مثل هر گروه دیگری در جامعه، مسئول متن‌ها و گفته‌هایی است که تولید می‌کند. مترجم چه آگاهانه و چه غیرآگاهانه متن‌ها و گفته‌هایی را ترجمه می‌کند و این متن‌ها و گفته‌ها در ساختن [...] و به چالش کشیدن واقعیت اجتماعی نقش دارند (بیکر، ۲۰۰۶الف: ۱۰۵). بیکر با توجه به همین فرض اساسی، مفهوم قاب‌بندی را آن‌طور که در آثار گافمن و نوشته‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی بیان شده به کار می‌گیرد «تا بیند مترجمان و مترجمان شفاهی چگونه با همکاری ناشران، ویراستاران و دیگر عوامل دخیل در این تعامل، جنبه‌هایی از روایت‌های موجود در متن‌ها و گفته‌ها را تقویت، تضعیف یا تعدیل می‌کنند و با این کار چه نقشی در ساختن واقعیت اجتماعی ایفا می‌کنند» (بیکر، ۲۰۰۶الف: ۵). آن‌طور که بیکر (۲۰۰۶الف: ۱۰۶) می‌گوید «در بیشتر نوشته‌های مربوط به جنبش‌های

اجتماعی، قاب‌بندی نوعی فرآیند دلالتی فعالانه تلقی می‌شود و قاب‌ها به مثابه ساختارهای انتظار و اقداماتی راهبردی‌اند که آگاهانه اتخاذ می‌شوند تا جنبش یا موضعی مشخص را در چارچوب چشم‌اندازی مشخص به نمایش بگذارند. بیکر به پیروی از این سنت علمی، قاب‌بندی را «راهبردی فعالانه» برای اعمال عاملیت تعریف می‌کند «که از طریق آن می‌توانیم آگاهانه در ساخت واقعیت ایفای نقش کنیم» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۰۶).

بیکر (۲۰۰۷: ۱۵۸) درخصوص «راهبردهای» قاب‌بندی در ترجمه می‌گوید «فرآیند قاب‌بندی (مجدد) عملاً می‌تواند از هر منبع زبانی و غیرزبانی استفاده کند تا برای خواننده یا شنونده یک موقعیت تفسیر فراهم کند». این منابع می‌تواند «شامل ابزارهای فرازبان‌شناختی مثل آهنگ جمله و فن چاپ، منابع دیداری مثل رنگ، تصویر و صفحه‌بندی و نیز ابزار زبانی مثل تبدیل زمان، اشاره، تغییر رمز و کاربرد حسن تعبیر باشد» (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۵۸). بیکر در ادامه می‌نویسد «کاربران زبان، از جمله مترجمان و مترجمان شفاهی همچنین می‌توانند از ویژگی‌های روایت (زمان/ مکان‌مندی، ارتباط‌مندی، تصرف‌گزینشی و پیرنگ‌سازی علی) بهره‌جویند تا متن یا گفتاری را برای مخاطبی مشخص قاب‌بندی یا قاب‌بندی مجدد کنند. آن‌ها می‌توانند با تغییر صورت‌بندی ویژگی‌های روایت «بر دیدگاه روایی خواننده یا شنونده تأثیر بگذارند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۱۱). این فرآیند صورت‌بندی مجدد یا «داخل متن ترجمه شده» انجام می‌گیرد یا «اطراف آن» (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۵۸).

در زیر نمونه‌ای از قاب‌بندی در فضای ترجمه‌ای مطرح می‌شود تا خواننده به درک بهتری از این مفهوم برسد. از میان ابزار متفاوتی که برای قاب‌بندی به کار گرفته می‌شود، گفتار حاضر به شرح قاب‌بندی از طریق تصرف‌گزینشی می‌پردازد.

۳-۳-۱. قاب‌بندی از طریق تصرف‌گزینشی

قاب‌بندی از طریق تصرف‌گزینشی یا در داخل متن‌های ترجمه شده یا در سطوح بالاتر از متن انجام می‌شود. قاب‌بندی درون‌متنی به الگوهای حذف و اضافه در متن‌های ترجمه شده اشاره دارد که هدف از آن‌ها تضعیف، تقویت یا بهبود جنبه‌هایی از روایت‌های موجود در

متن مبدأ یا جنبه‌هایی از روایت‌های بزرگ‌تری است که متن در آن جای گرفته است (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۱۴). برای مثال، متخصصان ترجمه ادبی مدت‌ها به مطالعه الگوهای حذف ناشی از اعمال سانسور از جمله خودسانسوری، پرداخته‌اند (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۱۵). بیکر در تشریح این نوع تصرف‌گزینشی به بحث سانسور در ادبیات کودک اشاره می‌کند و از الگوهای آشنای حذف از جمله حذف مفاهیم جنسی و مذهبی که روایت‌های رسمی رژیم فرانکو در اسپانیا را به چالش می‌کشید، سخن می‌گوید. قاب‌بندی در سطوح بالاتر از متن به موضوع انتخاب یا عدم انتخاب متن، نویسنده، زبان یا فرهنگی برای ترجمه اشاره دارد. برای مثال، بیکر (۲۰۰۶ الف: ۱۱۴) می‌گوید «طبق قانون سانسور در آلمان نازی، تمام آثار ترجمه شده در حوزه ادبیات داستانی قبل از چاپ باید مجوز چاپ می‌گرفته‌اند و یکی از مواردی که بررسی می‌شده پیشینه نژادی نویسنده بوده و هدف از این کار جلوگیری از چاپ آثار نویسندگان یهودی بوده است. رژیم نازی با استفاده از این الگوی گزینشی می‌توانسته صدای روایی یهودی‌ها را از جامعه پاک و روایت‌های عمومی آلمان را از تأثیر آن حفظ کند» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۱۴).

۳-۴. الگوی روایت‌شناختی

به اعتقاد بیکر (۲۰۰۶ الف: ۱۷)، «این مسأله که روایت‌ها داستان‌هایی ساخته شده‌اند و ما در آن‌ها جای گرفته‌ایم باعث نمی‌شود نتوانیم نسبت به آن‌ها موضع‌گیری کنیم». در واقع «ما باید نسبت به [...] روایت‌ها موضع‌گیری کنیم تا بتوانیم در جهان عمل کنیم»، ما «باید درباره صحت و اعتبار روایت‌هایی که زندگی‌مان را تحت تأثیر قرار می‌دهند قضاوت کنیم» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۷). در نتیجه، بیکر در مدل تحلیلی‌اش از الگوی روایت‌شناختی والتر فیشر بهره می‌جوید و نشان می‌دهد «چگونه می‌توانیم روایت‌ها را ارزیابی کنیم تا مشخص شود آیا باید باورشان کنیم یا از کسانی که باورشان دارند، فاصله بگیریم یا حتی آن‌ها را فعالانه به چالش بکشیم» (۲۰۰۶ الف: ۱۴۱). این ارزیابی بر مبنای دیدگاه روایی افراد صورت می‌گیرد، پس نتیجه آن می‌تواند از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد (بیکر،

۲۰۰۶ الف: ۱۴۱). در این جا فقط یکی از عناصر مدل والتر فیشر، یعنی مفهوم انسجام ساختاری با ذکر مثال توضیح داده می‌شود:

۳-۴-۱. انسجام ساختاری

به گفته بیکر (۲۰۰۶ الف: ۱۴۴)، انسجام ساختاری به هماهنگی درونی هر روایت مربوط می‌شود؛ به این که آیا روایت، خواه در فرم، خواه در استدلال (فیشر، ۱۹۹۷، نقل از بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۴۴) در خود تناقض دارد یا نه. برای مثال، بیکر (۲۰۰۶ الف: ۱۴۴) به نتیجه تحقیقاتی اشاره می‌کند که لرد باتلر^۱ درباره عوامل منجر به حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ انجام داده است. لرد باتلر اذعان می‌کند «اطلاعاتی که جنگ براساس آن آغاز شد بیش از حد اغراق آمیز بوده است» اما این طور نتیجه گیری می‌کند که «هیچ کس در این وضع مقصر نیست» (بیکر، ۲۰۰۶ الف: ۱۴۴). بیکر می‌گوید «پذیرفتن این مسأله که اطلاعات منجر به آغاز جنگ بیش از حد اغراق آمیز بوده با این نتیجه گیری که هیچ کس در این وضع مقصر نیست سازگاری ندارد». بنابراین، در این جا روایت باتلر انسجام ساختاری ندارد و از این رو «نمی‌توانیم روایت او را باور کنیم» (۲۰۰۶ الف: ۱۴۴).

۴. ظرفیت‌های پژوهشی نظریه روایت

گفتار حاضر پس از شرح مدل تحلیلی بیکر به توصیف ظرفیت‌های پژوهشی آن می‌پردازد؛ برای این کار ابتدا برخی از پژوهش‌های بیکر در چارچوب نظریه روایت را توصیف می‌کند و سپس توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان براساس این پژوهش‌ها تحقیقات بیشتری انجام داد.

۴-۱. روایت‌ها در ترجمه و روایت‌های ترجمه^۲ (بیکر، ۲۰۰۵)

بیکر (۲۰۰۵) یکی از روایت‌های مفهومی حاکم بر گفتمان‌های حرفه‌ای ترجمه را زیرسوال می‌برد؛ روایتی که براساس آن ترجمه با میسر ساختن امکان گفت‌وگو و تبادل

1. Lord Butler

2. Narratives in and of Translation

نظر بین فرهنگ‌ها باعث ایجاد صلح و تساهل و تفاهم بین آن‌ها می‌شود (بیکر، ۲۰۰۵: ۴). در این روایت، مترجم «واسطه‌ای صادق» و ترجمه «عامل ایجاد خوبی» و «ابزاری برای برقراری رابطه بین فرهنگ‌های مختلف» تلقی می‌شود و «از این رو [...] به اعضای این فرهنگ‌ها کمک می‌کند بهتر یکدیگر را درک کنند» (بیکر، ۲۰۰۵: ۹). در نتیجه، مفاهیم «گفت‌وگو، تبادل نظر، درک و البته دانش به لحاظ اخلاقی بار مثبت» دارند و بدون هیچ مشکلی به عدالت، صلح، تساهل و پیشرفت می‌انجامند» (بیکر، ۲۰۰۵: ۹). به عبارت دیگر، ترجمه «پل» است و مترجم «سازنده پل» و این پل «همیشه بار مثبت دارد» و «همیشه برای مقاصد خوب (اخلاقی) ساخته می‌شود» (بیکر، ۲۰۰۵: ۹).

بیکر روایت «پل» و «سازنده پل» را غیرواقعی و کورکورانه می‌داند و معتقد است چنین روایتی واقعیت‌های موجود در زمینه تعارض‌های سیاسی و نقش پیچیده مترجمان را در آن پنهان می‌کند (بیکر، ۲۰۰۵: ۱۰). بله، پل‌ها «به ما این امکان را می‌دهند که از رویشان عبور کنیم و با اعضای فرهنگی متفاوت ارتباط مثبت برقرار کنیم، اما در عین حال نیروهای مهاجم را نیز قادر می‌سازند که از رویشان بگذرند و کل جمعیت را بکشند و مثله و نابود کنند» (بیکر، ۲۰۰۵: ۹). بنابراین، مترجمان باید این حقیقت را بپذیرند که در تقویت و انتشار هر نوع روایت و گفتمان، نه لزوماً فقط روایت‌ها و گفتمان‌های مثبت، نقش دارند. بیکر در تشریح نقش مترجم‌ها در بافت تعارض‌های سیاسی به سازمان مموری (موسسه تحقیقات رسانه‌های خاورمیانه) اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که تیم مترجمان مموری چگونه با ابزارهای روایی خاص خود از طریق ترجمه درباره فرهنگ‌های دیگر، روایت‌های منفی می‌سازند و به تعارض‌های سیاسی دامن می‌زنند.

با توجه به مقاله روایت‌ها در ترجمه و روایت‌های ترجمه (بیکر، ۲۰۰۵) پژوهش‌های زیر در این حوزه پیشنهاد می‌شود:

۱- پژوهشگران می‌توانند به پیروی از بیکر نمونه‌های دیگری از نقش‌های منفی مترجمان را در تعارض‌های سیاسی معرفی کنند تا روایت «پل» و «پل‌ساز» را زیر سوال ببرند. مثلاً می‌توانند به روایت‌های مختلف مترجمان سازمان مموری یا سازمان‌های شبیه آن (از جمله

Watching America) اشاره کنند تا مشخص شود پلی که مترجمان بین دو فرهنگ می‌سازند لزوماً همیشه بار مثبت ندارد و می‌تواند به جنگ دامن بزند.

۲- بیکر (۲۰۰۵) فقط به یکی از استعاره‌های موجود (استعارهٔ پل و پل‌ساز) در دنیای ترجمه که برای ترجمه نقش مثبت قائل‌اند، می‌پردازد. در دنیای ترجمه، استعاره‌های دیگری نیز وجود دارد که اساساً نقش ترجمه و مترجم را مثبت ارزیابی می‌کنند. پژوهشگران می‌توانند در چارچوب نظریهٔ روایت بیکر این استعاره‌های دیگر را بررسی کنند و ببینند آیا می‌توانند مثال نقضی برای هر یک در دنیای ترجمه بیابند. مقاله حاضر یکی از این استعاره‌ها را پیشنهاد می‌کند: تن^۱ در مقاله‌اش با عنوان «هویت مترجم به روایت استعاره»^۲ استعاره‌های مختلفی برای نقش مترجم معرفی می‌کند. او در یکی از این استعاره‌ها، مترجم را دلال ازدواج می‌داند: «مترجم دلال یا واسطه‌ای است که وظیفه دارد به مردم کمک کند با ادبیات خارجی آشنا شوند و ترغیب‌شان کند به ادبیات خارجی عشق بورزند» (۲۰۱۲: ۲۱). آیا این روایت مفهومی از ترجمه و مترجم همیشه صحت دارد؟ آیا مترجمان هیچ‌گاه از ترجمهٔ ادبیات برای مقاصد منفی استفاده نمی‌کنند؟ آیا می‌توان نمونه‌هایی از ترجمهٔ ادبیات پیدا کرد که هدف از آن ایجاد آشنایی فرهنگی‌ها و عشق‌ورزی به یکدیگر نباشد؟ به طور کلی، آیا می‌توان استعارهٔ دلال ازدواج را در چارچوب نظریهٔ روایت، زیرسوال برد؟

۲-۴. ترجمه و عمل‌گرایی^۳ (بیکر، ۲۰۰۶)

بیکر (۲۰۰۶) بر گروه‌هایی از مترجمان و مترجمان شفاهی متمرکز می‌شود که «فعالانه در برنامه‌های اجتماعی و سیاسی ایفای نقش می‌کنند» و «آشکارا روایت‌های غالب زمانه را به چالش می‌کشند» (۲۰۰۶: ۴۶۲). او با استفاده از مفهوم روایت در علوم اجتماعی، ابتدا توضیح می‌دهد که «اعضای این گروه‌ها به روایت‌های مشخصی باور دارند و همین

1. Tan

2. The Translator's Identity as Perceived Through Metaphors

3. Translation and Activism

روایت‌ها آن‌ها را گردهم می‌آورد» (۲۰۰۶ب: ۴۶۳). سپس می‌گوید «نظریهٔ روایت به ما این امکان را می‌دهد که این گروه‌ها و کارشان را دست‌کم از دو منظر بررسی کنیم» (۲۰۰۶ب: ۴۷۵)؛ اولاً «می‌توان انواع روایت‌هایی را که چنین گروه‌هایی می‌سازند بررسی کرد و دید آن‌ها چگونه بر این روایت‌ها، با انتخاب مطالب ترجمه‌ای و شیوه‌های ترجمه، تأثیر می‌گذارند» (بیکر، ۲۰۰۶ب: ۷۶-۴۷۵). ثانیاً «می‌توان با استفاده از الگوی روایت‌شناختی فیشر مثلاً انسجام روایت‌های این گروه‌ها را بررسی کرد» (بیکر، ۲۰۰۶ب: ۴۷۷). بنابراین بیکر در این مقاله بر پرسش‌هایی از این دست متمرکز می‌شود؛ اعضای این گروه‌ها چه متن‌هایی برای ترجمه انتخاب می‌کنند؟ آیا روایت‌هایی را که به شدت با آن مخالف‌اند در قابی متفاوت قرار می‌دهند و تضعیف‌شان می‌کنند؟ آیا برای این که بتوانند به تفسیر مخاطبان‌شان از روایت‌ها جهت بدهند، متن را دستکاری می‌کنند (مثلاً چیزی را از متن حذف یا به آن اضافه می‌کنند) یا از پیرامتن‌ها استفاده می‌کنند؟ آیا روایت‌هایی که می‌سازند از انسجام ساختاری یا دیگر انواع انسجام برخوردارند؟ آیا به گروه‌های ضعیف و در حاشیه کمک می‌کنند تا صدای روایی‌شان را به گوش برسانند؟

با توجه به مقالهٔ ترجمه و عمل‌گرایی (بیکر، ۲۰۰۶ب) دو پیشنهاد تحقیق زیر مطرح می‌شود:

۱- پژوهشگران می‌توانند کار چنین گروه‌هایی را از دو جهت بررسی کنند؛ اولاً این گروه‌ها چه متن‌هایی برای ترجمه انتخاب می‌کنند و با این انتخاب‌ها چه روایت‌هایی می‌سازند. ثانیاً برای تقویت و تضعیف روایت‌ها چگونه دست به قاب‌بندی می‌زنند؟ گروه‌های زیر برای چنین پژوهش‌هایی مناسب‌اند:

- 1- Translators for Peace
- 2- Babels
- 3- Translators and Interpreters Peace Network
- 4- ECOS
- 5- Translators without Borders

۲- به پیروی از بیکر می‌توان روایت‌هایی را که این گروه‌ها می‌سازند از منظر الگوی روایت‌شناختی بررسی کرد تا مثلاً مشخص شود آیا این روایت‌ها انسجام درونی دارند و در نتیجه می‌توانند به هدف نهایی خود؛ یعنی مبارزه با روایت‌های غالب زمانه دست یابند. مثلاً می‌توان دید آیا روایت‌هایی که گروه مترجمان بدون مرز می‌سازد از انسجام ساختاری برخوردار است یا نه. بیکر خود با بررسی کار گروه مترجمان بدون مرز به این نتیجه می‌رسد که روایت آن‌ها فاقد انسجام ساختاری است، زیرا این گروه که برای ارگان‌های حقوق بشری مثل پزشکان بدون مرز به صورت رایگان و با اهداف انسان‌دوستانه ترجمه می‌کند از شرکت یوروتکست^۱ که شرکتی تجاری در امر ترجمه است، منشعب شده است. به دلیل وجود پیوندهای متعدد در وب‌سایت‌های هر یک از این دو گروه به دیگری، مرز بین فعالیت‌ها و اهداف تجاری و انسان‌دوستانه مخدوش می‌شود به نحوی که هر عمل انسان‌دوستانه با اهداف تجاری نیز پیوند می‌خورد (بیکر، ۲۰۰۶: ۴۷۸-۴۷۷).

۴-۳. قاب‌بندی مجدد برخوردها در ترجمه^۲ (بیکر، ۲۰۰۷)

قاب‌بندی مجدد برخوردها در ترجمه (بیکر، ۲۰۰۷) با استفاده از مفهوم قاب‌بندی به بررسی روش‌هایی می‌پردازد که مترجمان و مترجمان شفاهی روایت‌های موجود در متن یا گفتار اصلی را تقویت، تضعیف یا تعدیل می‌کنند (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۵۱). بیکر در این مقاله توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان در داخل و اطراف متن عمل قاب‌بندی را انجام داد (۲۰۰۷: ۱۵۱) و چند نمونه از راهبردهای قاب‌بندی در اطراف متن و درون متن را معرفی می‌کند.

بیکر در توضیح قاب‌بندی در اطراف متن به سازمان‌های نومحافظه‌کاری چون «ممری» و «واچینگ امریکا» اشاره می‌کند. تخصص این سازمان‌ها انتشار ترجمهٔ متن‌هایی منتخب برای ساختن روایت‌هایی مشخص است. او می‌گوید این سازمان‌ها بیشتر در اطراف متن دست به قاب‌بندی می‌زنند. برای مثال، با استفاده از تصرف گزینشی، جهان عرب را افراطی و خطرناک جلوه می‌دهند و برای این کار از بین متن‌های مختلفی که

1. Eurotexte
2. Reframing Conflict in Translation

کشورهای عرب را به تصویر می‌کشند صرفاً بدترین نمونه‌های ممکن را برای ترجمه انتخاب می‌کنند (۲۰۰۷: ۱۵۸). قاب‌بندی در این سازمان‌ها از راه تصویر و ویدئو نیز صورت می‌گیرد. برای مثال، سازمان «واچینگ امریکا» در ترجمه متن‌های عربی به انگلیسی تصاویری در متن ترجمه شده قرار می‌دهد و شرحی زیرشان می‌نویسد تا آن‌طور که می‌خواهد روایت‌های ترجمه‌ای را قاب‌بندی کند (۲۰۰۷: ۱۵۹) یا در کنار ترجمه‌هایش، لینک ویدئو کلپی نیز قرار می‌دهد تا به تفسیر ما از متن ترجمه شده جهت مشخصی بدهد (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۵۹). علاوه بر این راهبردها، از پیرامتن‌ها (تصویر روی جلد کتاب، معرفی روی جلد کتاب، مقدمه، پیش‌گفتار و پانویس) نیز می‌توان برای قاب‌بندی بهره بسیار برد (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۶۰). برای مثال، بیکر به دو ترجمه عربی از کتاب برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی نوشته ساموئل هانتینگتون اشاره می‌کند و می‌نویسد هر دو ترجمه، مقدمه‌های مفصلی دارند و مترجمان از طریق این مقدمه‌ها، هانتینگتون و نظریه‌اش را زیر سوال می‌برند (۲۰۰۷: ۱۶۱).

مثال‌هایی که بیکر برای قاب‌بندی درون‌متنی می‌آورد از فیلم مستندی است با عنوان جنین جنین که در سال ۲۰۰۲ پس از حمله اسرائیل به اردوگاه جنین در کرانه باختری عرضه شد. بیکر نسخه انگلیسی این مستند را که ظاهراً بیشتر برای مخاطب آمریکایی تهیه شده است، بررسی می‌کند. یکی از واژه‌های پرتکرار در زیرنویس‌ها واژه «شهید» است. بیکر می‌گوید معادل معیار این واژه در زبان انگلیسی کلمه Martyr است، اما در زیرنویس انگلیسی این مستند، هر بار که مصاحبه‌شوندگان فلسطینی از واژه شهید استفاده می‌کنند، معادل‌های دیگری همچون Victim (قربانی) و Killed (کشته) به کار می‌رود (۲۰۰۷: ۱۶۶). او می‌گوید این کار دو دلیل دارد؛ اول این که «واژه شهید از نظر معنایی با واژه Martyr به طور کامل همخوانی ندارد؛ یعنی «در زبان عربی، شهید عموماً به فردی اطلاق می‌شود که مخصوصاً در جنگ به صورتی خشونت‌آمیز کشته می‌شود، خواه داوطلبانه در این جنگ شرکت کرده باشد، خواه غیرداوطلبانه و بدون در نظر گرفتن دین و مذهبش». بنابراین، واژه شهید آن بار معنایی ستیزه‌جویی و افراط‌گرایی را که واژه Martyr در زبان انگلیسی هنگام اشاره به جهان

عرب و اسلام پیدا کرده است در خود ندارد (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۶۵). علاوه بر این، واژه Martyr در چنین فضایی بلافاصله بنیادگرایی اسلامی را به ذهن می‌آورد و کاربرد پی‌درپی آن آب به آسیاب کسانی می‌ریزد که جنگ خاورمیانه را نبردی مذهبی می‌دانند (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۶۶-۱۶۵) بنابراین، بیکر می‌گوید انتخاب معادلی مثل Victim یا Killed در نسخهٔ انگلیسی به جای واژهٔ Martyr روایتی غیرمذهبی از جهان عرب و فلسطین به دست می‌دهد.

براساس این مقاله، می‌توان پژوهش‌های مشابهی در مطالعات ترجمه انجام داد:

۱- پژوهشگران می‌توانند بر سازمان‌هایی مانند مموری متمرکز شوند و روایت‌های آن‌ها و نیز راهبردهای قاب‌بندی‌شان را بررسی کنند. مثلاً می‌توان بررسی کرد چنین سازمانی از طریق انتخاب‌های ترجمه‌ای یا دیگر ابزارهای قاب‌بندی چه روایت‌هایی از موضوع‌هایی مثل برجام، جنگ یمن یا برخورد فلسطینیان و اسرائیلی‌ها می‌سازند.

۲- همچنین می‌توان راهبردهای قاب‌بندی درون‌متنی و برون‌متنی را در دیگر حوزه‌ها، مثلاً ادبیات یا ادبیات کودک، بررسی کرد تا مشخص شود این راهبردها چگونه روایت‌های موجود در متن‌های اصلی را تقویت یا تضعیف می‌کنند. مثلاً تغییر طرح جلد کتاب‌های کودک ممکن است ابزاری برای قاب‌بندی مجدد اثر ترجمه شده و ساختن روایتی متفاوت با روایت متن مبدأ باشد. تغییر لباس‌های کودکان در نقاشی‌ها و جلد کتاب‌های ترجمه شده یا حذف تصویر سگ در کتاب‌های کودک تلاشی است برای هماهنگ کردن اثر ترجمه شده با روایت‌های عمومی حاکم بر کشور.

نتیجه‌گیری

با توجه به اطلاعاتی که در این مقاله در اختیار خوانندگان قرار گرفت، انتظار می‌رود پژوهشگران بتوانند با تکیه بر عناصر متعدد مدل بیکر (رده‌بندی روایت، ویژگی‌های روایی، قاب‌بندی و الگوی روایت‌شناختی) و با استفاده از مفهوم روایت جامع‌شناختی، پژوهش‌های بیشتری انجام داده و اطلاعات بیشتری دربارهٔ نقش ترجمه و مترجم در ساخت روایت‌ها و در نتیجه در ساخت جهان اجتماعی در اختیار مخاطبان‌شان بگذارند. در این پژوهش‌ها می‌توان بر بررسی مواردی از این دست متمرکز شد: استعاره‌های موجود دربارهٔ

ترجمه، مفاهیم مطرح در تاریخ ترجمه، روایت‌سازی سازمان‌ها و نهادها با استفاده از ترجمه، روایت فرد مترجم و مقاومت او در برابر روایت‌های عمومی و فراروایت‌ها، نقش مترجمان در روایت‌سازی، شیوه‌های قاب‌بندی در کار مترجمان، خبرگزاری‌ها، ناشران، وبسایت‌ها و سازمان‌ها و چگونگی روایت‌سازی با استفاده از این قاب‌ها و انسجام روایت‌های گروه‌های فعال در زمینه ترجمه.

داده‌های لازم برای انجام چنین پژوهش‌هایی را می‌توان از منابع متعدد جمع‌آوری کرد؛ از جمله: ۱- متن‌ها (مانند متن اخبار سیاسی، متون حوزه ادبیات و ادبیات کودک و متن‌های سیاسی-اجتماعی)، ۲- پیرامتن‌ها (شامل پانویس‌ها، مقدمه مترجم، جلد کتاب‌ها و مصاحبه‌های مترجمان)، ۳- خبرگزاری‌ها، وبسایت‌های خبری، روزنامه‌ها، کانال‌های شبکه‌های اجتماعی و ۴- تصاویر، ویدئوها و پیوندها.

منابع

- Al-Herthani, M. M. (2009). *Edward Said in Arabic: Narrativity and paratextual framing* (PhD Thesis). University of Manchester, UK.
- Al-Sharif, S. (2009). *Translation in the service of advocacy: Narrating Palestine and Palestinian women in translations by the Middle East Media Research Institute (MEMRI)* (PhD Thesis). Manchester, CTIS: University of Manchester.
- Baker, M. (2005). "Narratives in and of translation". *SKASE Journal of Translation and Interpretation*. 1 (1), 4- 13, retrieved from www.skase.sk; INTERNET.
- Baker, M. (2006a). *Translation and conflict: A narrative account*. London & New York: Routledge.
- Baker, M. (2006b). "Translation and activism: Emerging patterns of narrative community". *The Massachusetts Review*. 47 (III): 462- 484.
- Baker, M. (2007). "Reframing conflict in translation". *Social Semiotics*. 17 (2). 151-169.
- Baker, M. (2010). "Narratives of terrorism and security: Accurate translations, suspicious frames". *Critical Studies on Terrorism*. 3 (3). 347-64.

- Baker, M. (2014). *Translation as renarration*. In Juliane House (Ed.), *Translation: A multidisciplinary approach*, pp. 158-177. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Harding, S. (2009). *News as narrative: Reporting and translating the 2004 Beslan hostage disaster* (PhD Thesis). Manchester, CTIS: University of Manchester.
- Harding, S. (2012). "How do I apply narrative theory: Socio- narrative theory in translation studies". *Target*. 24 (2), 286- 309.
- McDonough Dolmaya, Julie. (2010). (Re) imagining Canada: Projecting Canada to Canadians through Localized Websites. *Translation Studies*, 3 (3): 302- 317. Doi: 10.1080/14781700.2010.496927
- Tan, ZAIXI (2012). "The Translator's identity as perceived through metaphors". *Across Languages and Cultures*. 13 (1). pp. 13-32.

